

بیانیه نهضت آزادی ایران به مناسبت درگذشت علامه مجاهد آیت‌الله طالقانی

بسمه تعالی

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً (۱)
او از میان ما رفت و چه زود رفت! در ایامی که طوفان انحصارطلبی و تفرقه، وحدت انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، او که منادی نستوه توحید و وحدت انقلابی مسلمین و پیام‌آور رحمت و وسعت دید در برخورد با مردم بود، از جمع ما رخت بر بست.

طالقانی که صراحت و شجاعت و دلباختگی به مکتب اسلام و توحید را از پدر خود به ارث برده و در حوزه جدیدالتأسیس علمیه قم، در محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، معارف اسلامی را فرا گرفته بود، با تقوای علمی کم نظیری، با تماس با علوم و فرهنگ جدید طبیعی و مطالعه تاریخ معاصر کشورهای اسلامی، وسعت بینش و سعه‌صدری بی‌مانند و روح رحمت و انساندوستی و عدالت‌طلبی خاص شاگردان قرآن را دریافت کرد.

او پس از خلع رضاخان، نخستین کسی بود که کلاس و مجالس درس و بحث قرآن و معارف اسلامی را در «کانون اسلام» و محافل سیار در مساجد و منازل و در مجله دانش آموز آغاز کرد. کسانی که در آن ایام سخنان او را می‌شنیدند و مقالات او را می‌خواندند، در نخستین برخورد، عشق و ایمانی خالص و بی‌شایبه نسبت به اسلام و مکتب اهل بیت گرانقدر رسول خدا و شاگردان واقعی آنها و سوز و دردی نسبت به عقب‌ماندگی و اسارت و تفرقه امت اسلامی از یک طرف، و وسعت بینش و سعه‌صدری نسبت به همه انسانها و معارف بشری احساس می‌کردند، او را کسی می‌یافتند که در بند لباس و تعصب صنفی نبود و اشخاص را از درجه تقوا و معرفت و میزان معرفت و شجاعت و عدالت‌پروری و خدمت‌گزاریشان به خلق خدا ارزیابی و روابط خود را با آن تنظیم می‌کرد.

این صفات کم نظیر، او را از همان آغاز با مردان علم و ایمان، از هر صنف و ملت، بویژه دانشگاهیان و دانشجویان آشنا و محشور کرد. او از همان سالهای ۲۲ به بعد دوستدار و حامی صادق دو تن از استادان متدین و شجاع دانشگاه و انجمن اسلامی دانشجویان گردید.

پدر طالقانی با حشر با قرآن که سرچشمه لایزال الهامات او بود، و با قلب پاک و شفافی که داشت و حقایقی که از خلوت با خدا و جهان حیاتبخش قرآن دریافت می‌کرد ابتکارات و انشأاتی در معارف اسلامی و درک از تعالیم اسلام و قرآن وارد ساخت، و همین نعمت او را در میان مردم جامعه، بخصوص تحصیلکردگان و مبارزان راه حق و حقیقت، در هر لباس و صنف، به صورت الگویی محبوب و پیشوائی گرانقدر درآورد.

عدم وابستگی به دنیا و مظاهر آن و دل‌بستگی و شور و شوق عظیم او نسبت به رسول خدا و

فرزندان معصومش او را از همان آغاز، مجاهدی صادق و به دور از مصلحت‌گراییهای شخصی و صنفی علیه بی‌عدالتیها و نامردمیها و ریاکاریها ساخت.

او بود که پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۳۲ با جسارت و شجاعتی بی‌نظیر مسجد هدایت را پایگاه نشر معارف ضدظلم و ضداستبداد قرآن و اسلام و پرورش و تجمع جوانان آرمانگرای مجاهد و مبارز مسلمان ساخت، لذا از همان هنگام مورد بغض و کینه سردمداران رژیم قرار گرفت. در ایامی تاریک و سیاه که احدی را جرأت حمایت و پناه دادن به فدائیان اسلام تحت تعقیب نبود، تنها پدر طالقانی بود که مرحوم نواب‌صفوی و خلیل طهماسبی و یاران از جان گذشته‌اش را در منزل شخصی خود جای داد و پذیرائی کرد.

هم او بود که از میان روحانیون مبارز آن روز، جرأت تشکیل یک جمعیت سیاسی اسلامی مبارز یعنی نهضت آزادی ایران را با دو تن از استادان دانشگاه آن روز، برادران: بازرگان و سحابی که از بیست سال پیش آنان را مؤمنانی صادق و آگاه و شائق به اسلام و آگاهی به علم و فرهنگ روز و از خودگذشتگانی بی‌ریا در مبارزه با جور و استبداد یافته بود، تأسیس کرد و منبعی برای تربیت و سازمان دادن جوانان و مجاهدان آگاه و صادق انقلابی اسلامی و ملجائی برای دشمنان ظلم و استبداد و آرزومندان عدالت و دموکراسی اسلامی پایه‌گذارد. او را با خدای قرآن و مکتب رسول خدا و ائمه اطهار پیمانی بود که بر سر این جهاد از پای ننشست و هر گونه ملاحظات شخصی و صنفی را به کناری نهاد و مبارزه با دستگاه استبداد و استعمار و استحمار را ادامه داد و نسلی از جوانان با ایمان و مجاهد را به جامعه عرضه کرد که همگی از مبانی و عناصر جنبش انقلابی اسلامی اخیر ایران گردیدند. از سال ۴۱ که جنبش ملی ایران با رهبری امام خمینی، عمق و گسترش توده‌ای تازه‌ای یافت، مبارزه طالقانی با رژیم استبداد و استعمار به همراه یاران نهضتی‌اش بعد تازه‌ای یافت. بدین سبب بود که در آن زمان مورد شدیدترین کینه‌جویی شاه مخلوع قرار گرفت و به ده سال زندان محکوم گردید. روش و رفتار او در دادگاه نظامی و در زندان و بی‌اعتنائی و شجاعتش نسبت به عوامل قدرت آن روز، زبازند و الگوی مبارزان و مجاهدان قرار گرفت.

پس از آزادی از زندان، مردانه مبارزه و مجاهده را در نهان و آشکارا علیه دستگاه و حمایت بیدریغ خود را از اشخاص و سازمانهای مبارز و مجاهد و انقلابی ادامه داد. او به همراه یاران نهضتی خود طی هفده سال مبارزه و مجاهده مکتبی و حزبی هرگز به دستگاه جباران و رژیم وابسته و مستبد زمان آری نگفت و پیوسته این نهضت سازمانی سرسخت و سازش‌ناپذیر با هر گونه استبداد فردی و گروهی و استعمار و استثمار و استحمار باقی ماند و خواهد ماند.

از دست رفتن چنین رهبر و معلم آگاه و صادق و با ایمانی، برای ما افراد و فعالین نهضت آزادی ایران، همچون، همه ملت مسلمان ایران چقدر دردناک و جبران‌ناپذیر است.

ما با او و خدای او و با مکتب و راه او تعهدی ناگسستنی داریم و بر سر این تعهد و پیمان عمر و جان خود را به گرو می‌گذاریم و به روح پرفتوحش عرضه می‌داریم که: ای معلم گرانقدر قرآن و ای پیشوا و الگوی صداقت و ایمان اسلامی ترا در پیشگاه پروردگار و پیشوایان و شاهدان بزرگت از انبیاء و اولیاء و صدیقین و شهدا مقامی بلند بادا. آرام و مطمئن باش که فرزندان و شاگردان و پیروان و تعلیم یافتگان تو با قلبی مجروح، غم گرانقدر ترا تحمل می‌کنند و به امید پیوستن هرچه زودتر به تو و

خدای تو و پیشوایی تو راحت را ادامه می‌دهند.

ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانسف والثمرات و بشر الصابرين الذين اذا
اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون.(۲)

نهضت آزادی ایران

۲۱/ شهریور/ ۱۳۵۸

(۱) برخی از مؤمنان بزرگ‌مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس
برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ
عهد خود را تغییر ندادند. (احزاب/ ۲۳)

(۲) ما حتماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و از دست دادن اموال و جانها آزمایش می‌کنیم و
صابرین را بشارت ده، آنان که هر گاه مصیبتی بدیشان رسد گویند ما از خداییم و به سوی او باز
می‌گردیم. (بقره/ ۱۵۷-۱۵۶)